

شهادت

مأمور کلانتری بروجرد



گروه حوادث/ در سرنشین یک خودروی پژو که مأمور گشت کلانتری را در شهرستان بروجرد به عمد زیر گرفته و به شهادت رسانده بودند دستگیر شدند. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، صبح دیروز سرهنگ مهدی مهدوی کیا فرمانده انتظامی بروجرد در جمع خبرنگاران اظهار داشت: ساعت ۵ و ۲۳ دقیقه صبح یکشنبه، مأموران گشت کلانتری ۱۵ جهان آباد بروجرد مشاهده کردند که سرنشینان یک دستگاه پژو پارس در حال سرعت از محموله خودرو کامیون در محور بروجرد به خرم آباد هستند. سارقان به محض مشاهده مأموران با خودرو محل متواری شدند که پس از تعقیب و اجرای طرح مهار توسط پلیس، به عمد، گروهبان یکم «میلاذ بیرونوند» مستقر در طرح مهار را زیر گرفته و به شدت مجروح کردند که پس از انتقال وی به بیمارستان، به علت شدت جراحات وارده به فیض شهادت نائل شد. فرمانده انتظامی بروجرد در ادامه از دستگیری متهمان خبر داد و گفت: با تلاش مأموران پلیس بلافاصله ۲ عامل شهادت این شهید والامقام دستگیر و تحویل مراجع قضایی شدند.

رمال قلبی سارق خانه های پایتخت



گروه حوادث/ سارق حرفه‌ای که هنوز مهر آزادی اش خشک نشده بود این بار با شگردی جدید به عنوان رمال یا گدا وارد خانه‌ها می‌شد و بعد از سرقت کلید خانه، در فرصتی مناسب نقشه سرقت را اجرا می‌کرد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، زمستان سال گذشته گزارش سرقت‌های سریالی از خانه‌های پایتخت به پلیس اعلام شد. تحقیقات بلافاصله از سوی کارآگاهان پلیس آغاز و در بررسی‌ها مشخص شد سارق در تمامی سرقت‌ها بدون شکستن قفل در ورودی و با کلید وارد خانه‌ها شده و سرقت‌ها را انجام داده است.

■ **رد پای مرد رمال در سرقت**
 ورود با کلید این فرضیه را برای تیم تحقیق مطرح کرد که فردی آشنا سناریوی سرقت‌ها را رقم می‌زند. در ادامه بررسی‌ها، یکی از مالباخته‌ها که زن جوانی بود سرخ اصلی را در اختیار تیم تحقیق قرار داد و گفت: مدتی است که با مشکلات زیادی در زندگی‌ام مواجه شدم و به هر دری زدم گره از کارم باز نشد. یک روز از بدبختی‌هایم برای زن همسایه گفتم و او هم مرد رمالی را به من معرفی کرد. با مرد رمال دادن طلسم و جادویی که مشکلات را از بین می‌برد به خانه‌مان بیاید. وقتی مرد رمال به خانه‌مان آمد پس از گرفتن کلنی پول، نسخه رمالی را نوشت و خانه را ترک کرد. اما از وقتی مرد رمال از خانه خارج شد کلید خانه نیز ناپدید شد. آن موقع چندان توجهی نکردم و فکر کردم کلید را گم کرده‌ام اما وقتی خوب دقت کردم، متوجه شدم سرقت در روزی اتفاق افتاده که مرد رمال به من گفته بود باید وردی را در خانه مادرم بخوانم و این ورد حتما باید در شامگاه دوشنبه در خانه مادرت خوانده شود. طبق خواسته‌ا او به خانه مادرم رقتم و زمانی که برگشتم با سرقت خانه‌ام

■ **آموزش در زندان**
 شاپان، متهمی بود که ۴ بار به اتهام سرقت راهی زندان شده، اما این بار شگردش را تغییر داده و مدعی بود این شگرد را در زندان یاد گرفته است. **چه شد که تصمیم به سرقت گرفتی؟** اولین بار که سرقت کردم انگیزه‌ام با خیلی از سارقان فرق داشت، شاید آنها به دنبال پول بودند اما من هیچ وقت در زندگی‌ام مشکل مالی نداشتم. من به خاطر هیجان و سرگرمی سرقت کردم. اما وقتی به خاطر سرقت بازداشت شدم و مهر سابقه‌دار بودن در پرونده‌ام خورد، از کار بیکار شدم. بعد از آن مجبور شدم که به خاطر پول دست به سرقت بزنم. **چرا دنبال هیجان سرقت بودی؟** قبل از اینکه وارد کار خلاف شوم با پسر جوانی

آشنا شدم که خلافکار بود. او پیشنهاد سرقت داد و گفت خیلی هیجان دارد. به پیشنهاد او و برای کسب تجربه هیجان وارد باند آنها شدم. اما دستگیر شدم. **شبهه‌ات برای سرقت را از کجا یاد گرفتی؟** دفعه‌های قبل مثل همه سارقان با شیوه تویپ‌زنی و بالکن روی وارد خانه‌ها شده و سرقت را انجام می‌دادیم. اما برای آخرین بار که به زندان افتادم، آنجا این شگرد را آموزش دیدم. می‌دانید وارد زندان که می‌شوی، کلی شیوه و شگرد یاد می‌گیری. در فضای مجازی تبلیغ رمالی می‌کردم و مالباخته‌ها نیز بدون هیچ تحقیقی با من تماس می‌گرفتند و مرا به

آشنا شدم که خلافکار بود. او پیشنهاد سرقت داد و گفت خیلی هیجان دارد. به پیشنهاد او و برای کسب تجربه هیجان وارد باند آنها شدم. اما دستگیر شدم. **شبهه‌ات برای سرقت را از کجا یاد گرفتی؟** دفعه‌های قبل مثل همه سارقان با شیوه تویپ‌زنی و بالکن روی وارد خانه‌ها شده و سرقت را انجام می‌دادیم. اما برای آخرین بار که به زندان افتادم، آنجا این شگرد را آموزش دیدم. می‌دانید وارد زندان که می‌شوی، کلی شیوه و شگرد یاد می‌گیری. در فضای مجازی تبلیغ رمالی می‌کردم و مالباخته‌ها نیز بدون هیچ تحقیقی با من تماس می‌گرفتند و مرا به آشنا شدم که خلافکار بود. او پیشنهاد سرقت داد و گفت خیلی هیجان دارد. به پیشنهاد او و برای کسب تجربه هیجان وارد باند آنها شدم. اما دستگیر شدم. **شبهه‌ات برای سرقت را از کجا یاد گرفتی؟** دفعه‌های قبل مثل همه سارقان با شیوه تویپ‌زنی و بالکن روی وارد خانه‌ها شده و سرقت را انجام می‌دادیم. اما برای آخرین بار که به زندان افتادم، آنجا این شگرد را آموزش دیدم. می‌دانید وارد زندان که می‌شوی، کلی شیوه و شگرد یاد می‌گیری. در فضای مجازی تبلیغ رمالی می‌کردم و مالباخته‌ها نیز بدون هیچ تحقیقی با من تماس می‌گرفتند و مرا به

متهم به قتل در دادگاه:

به مادرم ناسزا گفت کشتمش

گروه حوادث/ پسر جوانی که مدعی است به خاطر ناسزاگویی مرتکب قتل دوستش شده است، در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از ۲۵ مرداد امسال با گزارش مرگ پسر ۲۰ ساله‌ای به نام شهرام جنب یکی از فروشگاه‌های زنجیره‌ای خیابان مولوی تهران آغاز شد و مأموران بلافاصله به محل درگیری رفته و مشخص شد درگیری میان دو جوان ۲۰ و ۲۱ ساله رخ داده که با هم دوست بودند و در این میان مهران با ضربات چاقو شهرام را به قتل رسانده است. در ادامه جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و مأموران تحقیقات میدانی را آغاز کردند. کارکنان فروشگاه زنجیره‌ای که شاهد ماجرای قتل بودند به مأموران گفتند: پس از درگیری ضارب با چند ضربه مقتول را مجروح کرد.

مجرور با سختی خودش را به داخل فروشگاه انداخت. ما قصد داشتیم به او کمک کنیم که ضارب دوباره وارد فروشگاه شد و با هم او را با چاقو زد و بعد هم از آنجا متواری شد. پس از معاینه جسد در پزشکی قانونی مشخص شد که مقتول با بیش از ۲۰ ضربه چاقو به قتل رسیده است. در ادامه تحقیقات پلیس مهران را شناسایی و دستگیر کرد. وی که به تازگی از کشور آلمان به ایران آمده بود در توضیح ماجرا به مأموران گفت: کمتر از ۱۰ سال سن داشتم که به خاطر جدایی پدر و مادرم ناچار شدم با مادرم به کشور آلمان بروم. کمی که بزرگتر شدم به اتهام سرقت دستگیر شدم و چند ماهی در زندان بودم و در آنجا با یک مأمور درگیر شدم و پلیس من را تحت درمان روانشناس قرار داد. پس از آزادی هم من را از کشور آلمان اخراج کردند و به ایران آمدم و به خانه پدرم

سرقت طلاهای دوست صمیمی برای خرید گوشی تلفن



او ادامه داد: در همین فاصله، یکی از دوستان صمیمی‌ام مرا به عروسی‌اش دعوت کرد و من شاهد بودم که شب عروسی کلی پول و طلا هدیه گرفت. با دیدن پول و طلاها وسوسه شدم تا آنها را سرقت کنم. دوستم وضع مالی خوبی داشت و هدایایی که دریافت کرده بود برای زندگی او پولی نبود اما کلی از مشکلات زندگی من را برطرف می‌کرد. دختر جوان گفت: تا به حال در زندگی‌ام کار خلافی مرتکب نشده‌ام بودم اما از روی ناچاری و وسوسه این کار را انجام دادم. به قدری ناشیانه سرقت را انجام دادم که حتی موقع ورود به خانه دوستم چهره‌ام را نپوشانده بودم. کلان من آدم بدشانسی هستم و حتی در سرقت هم شانس نیابردم. برای اینکه پس از سرقت طلاها را رد ناپولنی قرار دادم و آنها را داخل کانال کولر در پشت‌بام جاسازی کردم تا کسی از ماجرای طلاها باخبر نشود و سر فرصت آنها را بفروشم. اما هنوز ۲۴ ساعت از سرقت گذشته بود که به سراغ طلاها رفتم و در کمال ناباوری متوجه شدم یک نفر آنها را برداشته است. حالا شده‌ام آش نخورده و دهان سوخته؛ هم دزدی کردم و هم مال دزدی را از دست دادم. گوشی تلفن همراه برابم شگون نداشت، دزد شدم بدون اینکه پولی نصیبم شود. با اعتراف دختر جوان و ادعای وی، تحقیقات برای شناسایی سارق احتمالی که طلاها را به سرقت برده، ادامه دارد.

خرید آن را نداشتم به فکر این افتادم که گوشی را قسطی بخرم. یکی از آشناهایم مرا به فروشگاه‌ای معرفی کرد و من با پرداخت ۱۵ میلیون تومان، موفق به خرید گوشی تلفن همراه

پسر ۱۳ ساله حساب ۳ هزار نفر را خالی کرد

گروه حوادث/ پسر نوجوان که با استفاده از روبات‌های تلگرامی از ۲۳۴ هزار نفر کلاهبرداری اینترنتی کرده بود، توسط پلیس فنا البرز در شهر نظرآباد دستگیر شد.

سردار عباسعلی محمدیان، فرمانده انتظامی استان البرز در تشریح این خبر گفت: با شکایت چندین نفر از شهروندان و تشکیل پرونده کلاهبرداری اینترنتی و برداشت غیر مجاز از حساب بانکی آنها به وسیله لینک‌های آلوده پیامک‌های ابلاغ قضایی، بررسی موضوع به صورت ویژه در دستور کارشناسان پلیس فنا استان قرار گرفت. مأموران پس از بررسی‌های تخصصی تجهیزات الکترونیک مالباختگان، متوجه شدند که این افراد ضمن اینکه از طریق پیامک‌های کلاهبرداری ابلاغ قضایی به درگاه‌های جعلی منتقل شده و حسابشان خالی شده، از طریق بدافزارهای نصب شده در تلفن همراه آنها نیز تعداد قابل توجهی پیامک قضایی به سایر شهروندان نیز ارسال شده است. در ادامه مأموران با انجام تحقیقات تخصصی و به‌کارگیری اقدامات فنی و اطلاعاتی، کلاهبردار ۱۳ ساله این پرونده را شناسایی کرده و با هماهنگی مقام قضایی وارد مخفیگاه او در شهر نظرآباد شده و دستگیرش کردند.

این مقام انتظامی با اشاره به کشف تجهیزات الکترونیک مورد استفاده در کلاهبرداری متهم از مخفیگاهش، اضافه کرد: در تحقیقات تکمیلی مشخص شد که کلاهبردار حرفه‌ای ۱۳ ساله اطلاعات بیش از ۲۳۴ هزار حساب بانکی را سرقت کرده و تاکنون بیش از سه هزار و ۴۰۰ شاکي از سراسر کشور در خصوص این پرونده شناسایی شده‌اند. سردار محمدیان با اشاره به اینکه تاکنون ارزش کلاهبرداری صورت گرفته توسط این متهم حدود ۱۰ میلیارد ریال برآورد می‌شود، ادامه داد: تحقیقات در خصوص این پرونده برای شناسایی مالباختگان احتمالی ادامه دارد. فرمانده انتظامی استان البرز در پایان خاطر نشان کرد: از کاربر این اینترنتی تقاضا داریم تا فریب پیشنهادهای اغواکننده کلاهبرداران اینترنتی را نخورده و برای دریافت اطلاعات در زمینه پیشگیری از کلاهبرداری‌های اینترنتی به سایت پلیس فنا مراجعه کنند.

دلال خودرو در ایستگاه مرگ

گروه حوادث/ مرد زندانی که به اتهام قتل به قصاص محکوم شده بود، با اصرار پدر مقتول به دار مجازات آویخته شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، این مرد تابستان سال ۹۹ در جریان معامله یک خودروی ۴ میلیارد تومانی مردی را به قتل رسانده و متواری شده بود. تحقیقات پلیسی نشان داد، مقتول روز حادثه میهمان داشته و دختر بچاش برای بازی به خانه همسایه رفته بود اما هنگام برگشت به خانه با جسد پدرش روبه‌رو شد که از ناحیه گردن مجروح شده بود. کارآگاهان پلیس آگاهی تحقیقات خود را برای شناسایی میهمان مقتول آغاز کرده و واردیابی‌های تخصصی هویت او را شناسایی کردند. متهم به قتل که از سارقان زورگیر سابقه‌دار بود، خیلی زود شناسایی و دو روز بعد از قتل دستگیر شد. وی که دلال خودروهای گران قیمت بود گفت شب جنایت برای خرید خودروی ۴ میلیاردی مقتول به خانه‌اش رفته‌ام اما با هم به خاطر اختلاف مالی درگیر شده و با چاقو او را کشتم. وی پس از محاکمه در شعبه یکم دادگاه کیفری البرز به قصاص محکوم شد و یک سال بعد از محاکمه با تأیید حکم قصاص از سوی قضات دیوان عالی کشور در یک قدمی اجرای حکم قرار گرفت و سرانجام با پیگیری و اصرار پدر مقتول به دار مجازات آویخته شد.

قاتل جسد مومیایی در انتظار محاکمه



گروه حوادث/ مرد میانسال که هنگام انتقال یک جسد مومیایی، عکسش توسط زن همسایه ثبت شده بود، بزودی در دادگاه کیفری یک محاکمه خواهد شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از ظهر شنبه ۳۰ بهمن سال گذشته به دنبال تماس زن جوانی با پلیس آغاز شد. زن جوان که شاهد صحنه‌ای تلخ و دردناک بود، گفت: پشت پنجره اتاقم در حال صحبت با تلفن بودم که با صحنه عجیبی مواجه شدم. در همسایگی ما یک کارگاه تولیدی و تعمیرات میل است. در کمال ناباوری مردی را دیدم که داخل حیاط در حال کسیدن جسدی است و آن را به داخل زیرزمین برد. با دیدن این صحنه خیلی شوکه شده بودم اما موفق شدم چند عکس با تلفن همراهم از این ماجرا بگیرم.

به دنبال تماس زن جوان، مأموران پلیس راهی محل حادثه در غرب تهران شدند و جسد مردی را که داخل پارچه‌ای سفید شبیه مومیایی پیچیده شده بود پیدا کردند. مرد جوانی که در کارگاه بود خیلی زود به قتل اعتراف کرد و گفت: مقتول همکارم بود. این خانه ویلایی که کارگاه میل‌سازی است، متعلق به پدر و برادرزن مقتول بود. من هم دو سالی می‌شد که در اینجا مشغول به کار شده بودم. چند شب قبل میل‌هایی که ساخته بودم در بالکن بود و میل‌های مقتول داخل ساختمان به او گفتم هوا ابری است و به احتمال زیاد باران بیارد بهتر است من هم میل‌ها را بارانم داخل تا آسیب نبیند. اما او اجازه نداد. سر همین موضوع بین من و مقتول جر و بحث در گرفت و او ناگهان به من سیلی زد، من که بشدت خشمگین و عصبانی شده بودم، ناخودآگاه میله آهنی را که کنار سالن بود برداشتم. چشم‌هایم را بستم و شروع کردم به ضربه زدن، وقتی چشم‌هایم را باز کردم دیدم ضربه‌ها به سر او اصابت کرده و خونین روی زمین افتاده است. می‌خواستم جسد را به زیر زمین ببرم و دفن کنم اما هیچ وقت تصور نمی‌کردم که هنگام انتقال جسد کسی شاهد ماجرا باشد و لو بروم.

پس از تکمیل تحقیقات فرزند اول مقتول خواهان قصاص قاتل پدرش شد اما باتوجه به اینکه سن فرزند دوم مقتول قانونی نشده بود و پدر بزرگش هم فوت کرده بود در این شرایط طبق ماده ۳۵۶ قانون مجازات اسلامی، پرونده به دفتر رئیس قوه قضائیه فرستاده و درخواست دیه از طرف فرزند صغیر مقتول داده شد. بدین ترتیب پرونده با صدور کیفرخواست از سوی بازپرس شعبه ششم دادرسی امور جنایی تهران به دادگاه کیفری استان تهران ارجاع شد.

